۱۲

جان گریشام محبوب تلویزیون می‌شود

وکلای دعاوی در راه هستند

۱۱

شلیک هوایی

آیا درخواست سینماگران برای لغو الزام پروانه ساخت به نفع سینماست؟

۱۰

لوریس چکناواریان، محمدرضا خاکی و مرتضی گودرزی انتظارات خود را از بودجه سال آینده تشریح کردند

نگاهی هنری به بودجه ۹۸

یادداشت

کتاب چیست و با ما چه می‌کند؟

پیمان طالبی
شاعر

در یکی از شبکه های اجتماعی هفته پیش سوالی مطرح کردم.

سوال این بود: آیا واقعا کتابی بوده که با خواندنش متحول شده باشید؟

پاسخ‌های گوناگونی دریافت کردم و بخش نظرات آن پست، تبدیل شد به یك مرکز تمام عیار معرفی کتاب. همه با هرطور فضای ذهنی و هر رای و نظری، کتاب موردنظر خود را معرفی می‌کردند. بعضی‌ها حتی از کتاب موردنظرشان عکس می‌گرفتند و ذیل همان سوال منتشر می‌کردند.

شاید انتظار داشته باشید من که آن سوال را پرسیدم، از پاسخ‌هایی که دریافت کرده ام تحلیلی ارائه کنم و به مصداق مشت نمونه خروار جامعه امروز را (حتی) قضاوت کنم اما واقعیتش این است که هنوز خودم برایش پاسخی ندارم و در این یادداشت تلاش می‌کنم برای سوالم پاسخی پیدا کنم.

در لغت‌نامه دهخدا تحول عبارت است از «از جایی به جایی شدن» یا «منتقل شدن و برگشتن از جایی به جایی». اگر قرار باشد تحول را یك مقوله ذهنی در نظر بگیریم، اتفاقا این معنا از تحول آن را برای ما زیباتر می‌کند. یعنی وقتی متحول می‌شویم که از جایی که در آن هستیم کنده شویم و به جای دیگر انتقال یابیم. این جایی که در آن هستیم می‌تواند یك مقوله انتزاعی هم باشد که در این صورت همان دگرگونی روحی و ذهنی می‌تواند باشد.

سعدی می‌گوید:

بالای خاك هیچ عمارت نکرده‌اند
کزوی به دیر و زود نباشد تحولی

به پیوست این بیت می‌توان گفت همان‌طور که هر خانه لاجرم از تحول است، خانه قلب و جان آدمی نیز دستخوش این تحول خواهد شد. پس انسان لاجرمِ دگرگونی ست.

اگر یکی از بارزترین مصادیق این دگرگونی را تحول در اندیشه بدانیم، کتاب‌ها می‌توانند بزرگ‌ترین زمینه‌سازان این دگرگونی باشند.

بگذارید مثالی بزنم. آندری تارکوفسکی در سال ۱۹۷۲ فیلمی را بر اساس رمان سولاریس (۱۹۶۲)، اثری نئوکلاسیك در ادبیات علمی-تخیلی از استانیسلاو لم نویسنده لهستانی ساخت. در این فیلم دانشمندان یك ایستگاه فضایی در مدار یك سیاره دور دست و ناشناخته قرار می‌گیرند که دارای خاصیت عجیبی است و با جسمیت بخشیدن به خاطرات زندگی فضانوردان باعث می‌شود آنان دوباره از تجارب زندگی خود عبور کنند و با صحنه‌ها و کاراکترهای خاطرات خود مواجه شوند.

خیلی از این سوالات بعد از دیدن فیلم به ذهن می‌آید. مثلا این‌که اگر ما صرفا در محاصره مشتی واکنش عصب‌های مغزی باشیم، چقدر خودمان واقعیت خواهیم داشت؟ شاید این دقیقا کاری باشد که کتاب‌ها با ما می‌کنند. کتاب‌ها کمك می‌کنند با مجموعه‌ای از تصاویر مواجه شویم که بعضی از آنها ریشه در خاطرات یا ضمیر ناخودآگاه ما دارند.

ادامه در صفحه ۱۰

حسین علیزاده با دریافت «شهروند افتخاری شیراز» اعلام کرد این نشان برایش از «شوالیه» فرانسه ارزشمندتر است

درستایش اصالت

گروه فرهنگ و هنر

«احساس می‌کنم یك بار دیگر متولد شدم. افتخار می‌کنم در شهری قدم می‌گذارم که چنین شهردار فهیمی دارد و این چنین از هنر شهر خودش آگاه است و درك دارد. یاد روزهایی می‌افتم وقتی نشان شوالیه را نگرفتم. یك عده سوال می‌کردند؛ البته من هم توضیح می‌دادم. من می‌دانستم افتخارات بزرگ‌تری نصیبم خواهد شد. امروز تمام چیزهایی که فکر می‌کردم که چطور باید برای کسانی که متوجه نمی‌شوند توضیح دهم، به نظرم با شهروند افتخاری شدن شیراز دیگر همه متوجه شدند. اولین فعالیت‌های موسیقیایی‌ام از همین شهر شروع شد. دست تك تك شما را می‌بوسم و خوشحالم که مرا به آغوش خودتان پذیرفتید.» اینها را می‌گوید و سیل سوت و تشویق حضار است که حواله آقای آهنگساز می‌شود. حسین علیزده رگ وطن‌پرستی خیلی‌ها را این سال‌ها قلنبه کرده و حالا در شیراز به بهانه اعطای شهروندی افتخاری به استاد، دوباره دست گذاشته روی همان رگ قدیمی. درست در همین شب‌ها که همه نصف شب‌ها ولو می‌شویم جلوی تلویزیون و شبکه تماشا را می‌گیریم و یحتمل برای مرتبه nاُم میخ سریال «در چشم باد» شده‌ایم و پلان به پلان و سکانس به سکانس را قورت می‌دهیم و با موسیقی متن سریال حسابی سرحال می‌آییم و از بی‌کله‌بازی‌های یك افسر وطن‌پرست به نام بیژن ایرانی، حسابی کیفور می‌شویم دوباره استاد علیزاده از راه رسیده و رگ میهن‌پرستی ما را قلقلك می‌دهد. این دو مساله را هم بگذارید کنار هم که موسیقی سریال هم کار استاد است. حالا ملتفت شدید چرا باید از دیدن یك ویدئو این همه ذوق‌زده شویم؟!

فوشه در آفساید

استاد البته برای بار اول نبود که این طور سر ذوق‌مان آورد. پاییز چهار سال قبل بود که پچپچه درگوشی بین فرهنگی‌ها به حقیقت پیوست و اعلام شد که استاد حائز دریافت نشان فرهنگی شوالیه دولت فرانسه شده و سفیر فرانسه در تهران در محل اقامتش این نشان را به استاد خواهد داد. نشانی که به چهره‌های مطرح فرهنگ و هنر در سطح جهان اعطا می‌شود و در ایران هم پیش از این از اصحاب فرهنگ و هنر کسانی مانند مرحوم عباس کیارستمی، مرحوم محمدرضا سپانلو، لیلا حاتمی، محمدرضا شجریان و شهرام ناظری آن را دریافت کرده بودند. برونو فوشه، سفیر کبیر فرانسه هم احتمالا داشت فهرست مهمانان و جزئیات مراسم را چك و نهایی می‌کرد که به یکباره انتشار یك نامه از علیزاده، همه را در شوك فرو برد: «علیزاده از دریافت شوالیه انصراف داد!»

نامه سرگشاده حسین

نامه سرگشاده و عمومی علیزاده هم مثل روحیه خودش و آثارش، لطیف بود. «به نام آنکه هنر را آفرید» نشسته بود بر سطر آغازین نامه. علیزاده با حسی نوستالژیك یادی از محلات کودکی و نوجوانی‌اش در جنوب تهران و خیابان خیام کرده بود تا برسد به این روزها که دیگر در هر کوی و برزنی نامی از او می‌برند و در نهایت تشکر و سپاس از مردمی که قدر هنر و هنرمند را خوب می‌دانند: «مرا مردم هنردوست و هموطنان عزیز و بزرگم بارها به اوج افتخار رسانده‌اند. افتخاری که در بلندای وجود و در دستان گرمشان بود و حالا ... نغمه عشق و محبت و سپاس از دیاری دگر با عنوان و معنی خاص. نه در ستایش من، بلکه در ستایش هنر و هنرمند و چه زیباست نام ایران بر بال هنر، در پرواز از دیاری به دیاری و از مردمی به مردمی.»

کنایه به مسؤولان غیرخودی دانستن شوالیه

وسط نامه استاد اما یکی دو تعریض هم به چشم می‌خورد. استاد مقدمتا از لطف دولت و سفارت فرانسه تشکر کرده و آن را هدیه‌ای از مردم فرانسه توصیف کرد که بر سینه هنرمندان ایرانی می‌نشیند اما در نهایت اعلام کرده بود که دوست دارد همچنان برای مردم خودش «حسین علیزاده» بماند بدون هیچ پیشوند و پسوندی. یعنی که جناب فوشه در سفارت فرانسه در خیابان نوفل لوشاتوی تهران برود کشکش را بسابد. تعریض دیگر استاد به بعضی مسؤولان بود که البته در ذات خودش دوباره تعریضی هم به شوالیه زده شده بود: «اگر در دیار ما توجه و درك از هنر والای موسیقی همان‌طور که نزد مردم است، نزد مسؤولان - که باید خدمتگزاران تاریخ و فرهنگ و هنر باشند - می‌بود، یك هدیه و عنوان غیرخودی این همه انعکاس نداشت...» التفات دارید؟! استاد نشان شوالیه را یك هدیه و عنوان «غیرخودی» توصیف کرده. یعنی این مرتبه هم بعضی مسؤولانی که طالب هنر سطحی هستند هم بروند کنار فوشه فرانسوی و کشك‌شان را بسابند.

این شیرازی‌های باحال

حالا دوباره و شنبه‌شب همین هفته استاد نشان داد که در فقره انصراف از شوالیه و پا نگذاشتن توی سفارت فرانسه و علاقه به مردم و وطن خودش و افتخار به آنها صرفا حرفی از روی جوگیری و لقلقه زبان و احیانا ترس از بعضی از واکنش‌های رادیکال نبوده بلکه عین اعتقادش بوده. هموطنان شیرازی ما استاد را در صدر نشانده و روی سن برده و از سال‌ها زحماتش تقدیر کرده و شهردارشان هم گردن‌آویز شهروند افتخاری شیراز را به گردن استاد آویخته و استاد هم کلی ذوق کرده و خوشحال شده و گفته که ارزش این جایزه از شوالیه برایش بیشتر است. استاد به گفتن این حرف بسنده نکرده و گفته من بعد از رد کردن شوالیه می‌دانستم که روزها و جایزه‌های ارزشمندی در انتظارم است و حالا یکی از آنها را دریافت کرده‌ام! روی این حساب باید یك خداقوت اساسی گفت به شیرازی‌های عزیز که این چنین حال استاد را خوب کرده‌اند.

این شوالیه که می‌گویی یعنی چه؟

دولت فرانسه برای تقدیر از هنرمندان، فعالان سیاسی و عموما افرادی که به موفقیت‌های قابل تقدیری نائل می‌آیند، نشان‌های مختلفی طراحی کرده که هرساله به شهروندانی از کشورهای مختلف اعطا می‌شود. قدیمی‌ترین این نشان‌ها «لژیون دونور» (Légion d'honneur) است. البته این نشان را به هر کسی نمی‌دهند و به کسی می‌دهند که پیراهن تنش اطلس باشد و الخ. خلاصه بعد از این جایزه و به دلیل شرایط سخت اعطای نشان لژیون دونور، فرانسوی‌ها افتادند دنبال این که نشان‌های دیگری با عنوان نشان ملی لیاقت و نشان هنر و ادب نیز ایجاد کنند.

وزارت فرهنگ فرانسه از سال ۱۹۵۷ میلادی نشان هنر و ادب را طراحی کرد. هدف جایزه هنر و ادب فرانسه به رسمیت شناختن نقش ویژه ادبیات و هنر در جهت گسترش این حوزه‌هاست و کسانی این جایزه را می‌توانند دریافت کنند که دست کم ۳۰ ساله باشند و در توسعه و غنی کردن فرهنگ فرانسه نقشی داشته باشند. این نشان به هنرمندان در رشته‌های مختلف هنری از سراسر جهان اعطا شده و دارای سه درجه‌بندی فرمانده، افسر و شوالیه است. هدف این نشان در جهت غنی نمودن میراث فرهنگی فرانسه ایجاد شده است. نشانی که از سوی سفارت فرانسه در ایران به اهل ادب و هنر اعطا می‌شود، بخش سوم جایزه هنر و ادب فرانسه است که شوالیه نام دارد.

شوالیه‌های ایرانی

علی دهباشی - پژوهشگر حوزه ادبیات - درباره این جایزه به ایسنا گفته است: جایزه هنر و ادب فرانسه سه بخش دارد که تاکنون به چندین نویسنده و هنرمند ایرانی اعطا شده است. مثلا فرخ غفاری - کارگردان فیلم «شب قوزی» - جایزه کماندور را به خود اختصاص داده و جایزه اوفیسیه هم بر سینه داریوش شایگان - و امیرهوشنگ کاووسی - منتقد سینما - نصب شده است. درجه سوم این جایزه یعنی شوالیه هم تاکنون به بسیاری از چهره‌های فرهنگی هنری کشور چون شهرام ناظری، محمدرضا شجریان، رضا سیدحسینی، محمدعلی سپانلو، عباس کیارستمی، لیلا حاتمی، پری صابری، لیلی گلستان، جلال ستاری، داریوش مهرجویی، کامبیز درمبخش و محمود دولت‌آبادی تعلق گرفته است.

امروز چی داریم؟

شیرازی که علیزاده دوستش دارد

شیراز از آن شهرهایی است که اسمش هم حسابی دلبری کردن را بلد است و همه دوستش داریم. حالا فکرش را بکنید **حسین علیزاده** - آهنگساز و نوازنده‌ای که او را هم بسیار دوست داریم و بسیاری از ما کارهای او را دنبال می‌کنیم و کنسرت‌هایش را هم از دست نمی‌دهیم - به شیراز دعوت شده و عنوان شهروند افتخاری این شهر به او اعطا شده است. علیزاده هم سنگ تمام گذاشته و از این حرف زده که دریافت عنوان شهروند افتخاری شیراز تا چه حد برایش شیرین است. در همین صفحه رفته‌ایم سراغ حکایت علیزاده و شیراز، امیدواریم از خواندنش لذت ببرید.

بودجه سال ۹۸، ۲۵ آذر قرار است به مجلس برود و تصویب شود. بودجه حوزه فرهنگ و هنر همیشه در برابر نیازهای موجود ناچیز است و مشکلات بسیاری را برای دولت، وزارت ارشاد و به‌تبع آن هنرمندان ایجاد می‌کند، در آستانه ارسال بودجه نامه سال آینده به مجلس سراغ چند هنرمند برجسته رفته ایم تا پیشنهادها و تحلیل‌های آنها را جویا شویم و ببینیم از نظر آنها مهم‌ترین نیازهای فرهنگ و هنر کشور در سال آینده چیست؟ آنها چه خواسته‌هایی دارند و چه اتفاقاتی را ضروری‌تر می‌دانند؟ این گزارش را در صفحه ۱۰ امروز بخوانید.

گروه سینما هم امروز رفته سراغ موضوع جنجالی این روزهای سینما. ۲۰۰ سینماگر به حسین انتظامی، معاون تازه از راه رسیده معاونت سینمایی نامه نوشته و خواسته‌اند **پروانه ساخت** فیلم‌ها لغو شود تا سینماگران بتوانند آزادانه‌تر فعالیت کنند. این اتفاق اما تبعاتی خواهد داشت که سعی شده در این گزارش مورد بررسی قرار بگیرد. مثلا این‌که حالا فیلم‌هایی که بدون گرفتن پروانه نمایش ساخته شدند، اگر در ادامه مسیر نتوانستند پروانه نمایش بگیرند چه اتفاقاتی رخ خواهد داد. در این گزارش که در صفحه ۱۱ امروز منتشر شده، وضعیت انتظامی هم مقابل این پیشنهاد تازه بررسی شده است؛ پیشنهادی که پذیرفتن و نپذیرفتنش هر دو برای او تبعاتی خواهد داشت.

در **سینمای جهان** هم درست مثل همیشه کیکاووس‌خان زیاری رفته سراغ جذاب‌ترین اتفاقات سینمایی روز دنیا و از میان آنها بهترین اخبار و گزارش‌ها را برایتان جمع‌آوری و ترجمه کرده است. یکی از جذاب‌ترین مطالب این صفحه گزارشی است درباره ۲ رمان از جان‌گریشام، نویسنده مشهور. حالا دست‌اندرکاران یک سریال آمریکایی سراغ این داستان‌ها رفته و سعی کرده‌اند آنها را تبدیل به بخش‌های جذاب کار خود بکنند. خلاصه که صفحه ۱۲ امروز مثل همیشه جذاب است و شما را از اتفاقات روز دنیا و فیلم‌ها و سریال‌هایی هم که قرار است ساخته شوند باخبر می‌کند.